

همیشه کاری را که بآن دست میزنیم، باید بمعکس العمل آن نیز توجه داشته باشیم، چه بسا که در اثر عدم توجه باین نکته نتیجه معکوس از اقدام خود حاصل میکنیم. نگارنده با اینکه اصولاً با برداشتن حجاب توافق داشتم اما معتقد بودم باید طوری این کار انجام شود که بطور طبیعی در مملکت ریشه بگیرد. همه یرده بر داری افغانستان و ظهور (بچه سقا) و عکس العمل های آنرا بخاطر داریم.

گویا امروز در آن کشور بطور سابق باز حجاب بر قرار است. اینک هم باز برای جلوگیری از زیاده رویهایی که شده نباید راه افراط بردن تا آنجا که دوباره آن چادرهای مضحک را بر سر زنان ببینیم.

(۰۴۰۵)

بمعناصحت تقدیم ماده واحده

راجع به تساوی حقوق زنان با مردان

در انتخابات مجلس و انجمنهای محلی

چندروز قبل آقای دکتر کشاورز از طرف فراکسیون حزب توده ماده واحده

ذیل را تقدیم مجلس نمود.

« بانوان میتوانند بسا همان شرایطی که درباره مردان مقرر است

از حقوق و مزایای اجتماعی از قبیل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس

مقننه و انجمنهای ایالتی و ولایتی و غیره استفاده نمایند. »

در مقدمه ماده واحده گفته شده:

« بانوان ایرانی در این چند سال اخیر که از نعمت آزادی بهره مند شده

اند لیاقت و شایستگی خود را از هر حیث در انجام وظائفی که بآن ها محول

گردیده با ثبات رسانیده اند و بانوان ایرانی حقا سزاوار برابری و تساوی در حقوق

و مزایای اجتماعی با مردان میباشند »

این جنبه که یک زن ارمنی بوده و از سن ۱۸ سالگی در کلیه سازمانهای

اجتماعی و حزبی شرکت داشته و در اثر همکاری با شوهرم که از پیشوایان یک حزب

سوسیالیست بوده دارای تجربیات هستم ولی تا حال در حقوق با مردان مساوی نبودم

از آقایان نمایندگان حزب توده از برای لایحه تقدیمی فوق متشکر بوده و اظهار

قدردانی مینمایم ولی در این حال از خودم میپرسم که آیا خواهران بی سواد، نیم

لغت، نیم گرسنه، پا برهنه و بازمانده من که ۹۹٫۹ درصد زنان این کشور را تشکیل می‌دهند خواهند از چنین قانونی بعد کافی استفاده کرد؟

برادران، پدران، پسران ما که نصف روش فکر ملت ایران را تشکیل می‌دهند تقریباً چهل سال دارای حقوقی هستند که حتی مردان دموکراتترین کشور آرزو دارند که آن حقوق را دارا باشند ولی هر شخصیکه کمی سواد دارد بخوبی مشاهده میکند که نه فقط مردان دموکراتترین کشورها حتی مردان چندین کشور مستبد نیز از مردان این کشور آزاد تر بوده و شرایط زندگانشان از شرایط زندگانی ایرانیان چند مرتبه بهترست افلا دارای سواد، نان کافی، منزل مرتب و لباس پاک، قادر بصرفه‌جویی بوده و از اجتماعات و مجالس و آموزشگاهها و نسیایشگاهها و از کلیه وسایل تعلیم و تربیت زیاد تر از ماها استفاده مینمایند. ۹۹٫۹ درصد از افراد ملت ایران در مدت چهل سال قادر با استفاده از حقوقی

که قانون بایشان داده است نگر دیده اند.

برای این که شرایط لازم برای استفاده از حقوق نامبرده در تحت اختیار خود نداشته و روشن فکران ما کمک و فداکاری لازم برای آموزش آنها بودند نکرده تاحال در این کشور اقدامات لازم و عملیات سریع برای بالا بردن سطح دانش زبان از طرف جمعیت ها نشده و اقدامات دولت هم خیلی ناقص بوده است. بنابراین این زنان ایرانی غیر از چند نفر از زنان شهرستانی در حالت قدیم خود باقی هستند و از حقوقیکه دین مقدس اسلام و قوانین جاریه کشور بآن ها داده بطوری که لازم است استفاده نکرده اند آیا میشود تصور کرد که آن ها از حقوق های جدید خواهند استفاده کرد.

من طرفدار مساوات زنان با مردان در مقابل هر قانونی هستم من هم می خواهم که خواهرانم و خودم حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس و انجمن های شهری و ولایتی و ایالتی داشته باشیم ولی وقتی که بروی خود نگاه میکنم و همشیره های خود را در عین عمل و اقدامات خود مبینم بخصوص وقتی که از بیسواد و نادانی و فقر آن ها یاد مینمایم فکر میکنم که بهتر است قبل از این که زنان را بطرف صندوق انتخاباتی رهنمائی کنیم به ایشان القبا یاد بدهیم ایشان را آشنا با پیشه و هنر و صنعت نمایم آن ها را بیوشانیم بدن آنها و اطفالشان را از حملات حشرات محفوظ بداریم راه بد را

در مقابل آن‌ها بیندیم و غیره .

زنان فرانسه و زنان بعضی از کشورهای دیگر اروپا و امریکا حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجالس و انجمن‌های محلی دارند ولی چندین دفعه از خواهران ایرانی خود بهترزندگی میکنند و از آن‌ها خیلی خیلی بیشتر رفته‌اند. نمایندگان حزب توده چرا عجله میکنند؟

چرا میخواهند که زنان ایران از زنان فرانسه جلو بیافتند؟ آیا چند نفر از خواهران ما از آزادی که بزنان از طرف رضا شاه داده شده استفاده خوبی کرده‌اند؟ آیا عده زیادی از زنان ما از آزادی نام برده سوء استفاده نکرده‌اند؟ آیا برای اکثر از زن‌ها آزادی نام برده اهمیت داشت؟

این‌ها سئوالاتی است که قبل از تقدیم یا تصویب ماده واحده تقدیم شده از طرف نمایندگان حزب توده بمجلس جواب صحیح خود را میخواهند (نقل از روزنامه (ایران کنونی) چاپ تهران - شماره ۲۱ سال دهم -

بقلم بانو یقینیان .)

(آینده) - اگر آقای دکتر کشاورز، نماینده محترم، خواسته باشند در این خصوص عقیده مخالف و دلایل خود را بنگارند ما با کمال میل درج خواهیم نمود!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال چاپ سوم انسانی

یک بام و دو هوا ۱۰۰۰۰

لایحه انتخابات زنان در مجلس

انحلال دبستانهای مختلط در وزارت فرهنگ

در مجلس شورای ملی ایران عده ای از نمایندگان آزاد بخوان طرخی تهیه و پیشنهاد نموده اند که بموجب آن زنان ایران میتوانند مانند مردها هم انتخاب کنند و هم انتخاب شوند و اگر احیاناً روزی این طرح تصویب شود و بصورت قانون درآید بانوان کشور ما در پرتو وجود نمایندگان روشن فکر و

متجدد قدم‌بلندی بسوی موفقیت برداشته اند و مقامی بدست آورده اند که زنان خیلی از ملل بزرگ هنوز از آن محرومند ...

اما در همین کشور ایران در همین سرزمینی که عده‌ای از اینها و می‌خواهند زنان را زمامدار و سیاستمدار نمایند و نمایندگی ملتی را با او محول کنند از تاریخ پیشنهادی این طرح یکماه نگذشته که دولت، دولتی که الحمد للهِ بنا بمیل و سلیقه همین نمایندگان روی کار آمده دستوری صادره می‌کند که در حقیقت در قبال طرح مجلس حکم ناسخ و منسوخ دارد روز چهارشنبه ۲۹ شهریور روزنامه‌های تهران خبری منتشر کردند بدین مضمون:

انحلال دبستانهای مختلط - بموجب دستور وزارت فرهنگ از تاریخ اول مهر ماه کلیه دبستانهای مختلط منحل گردیده و دبستانها از این پس یا پسرانه یا دخترانه خواهد بود.

اگر بکفر بیگانه خبر یکماه قبل را راجع بحق انتخاب شدن زنان در روزنامه‌ها خوانده باشد و امروز این خبر را که حاکی از کمال تعهد در انتخاب یک روش تربیتی غلط است بخواند نسبت بطبقه حاکمه این ملت چه فکر میکند؟ آیا جز اینکه او با خود بیندیشد از این کشور و از این ملت بخت و اقبال رخت بر بسته و جامعه با پای خود بسوی نیستی و نابودی میرود برای این اعمال بیروبه دلیل دیگری میتواند حدس بزند؟

اما یکنفر خودی چه فکر میکند؟ این خودی اگر سست عنصر و ضعیف - النفس باشد در قبال این مرج و مرج عظیم در مقابل این عدم نقشه و خط مشی صحیح در اداره امور مملکت، در قبال این اختلاف بزرگ عقیده بین افراد طبقه حاکمه، با این بی تکلیفی مثنی مردم سرگشته، پس از اطلاع بر اینکه برای آینده کشورش هیچگونه روش ثابتی موجود نیست با درک این حقیقت که با مصالح ملت مردم بمقتضای هوی و هوس دسته از مردم بازی و شوخی میشود متأثر میگردد، گریه بیکند و نسبت به آینده محروم و نا امید فیشود